

ده فرمان هالیوود شرایط اجتماعی و سیاسی ساخت مصائب مسیح

Sociopolitical Background of
The Passion of Christ

سید حسین زرهانی

مقدمه

در زمستان ۱۳۸۲، ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۰۴ شاهد یکی از شدیدترین مشاجرات و منازعات فرهنگی و رسانه‌ای بودیم که در برخی اوقات در رسانه‌های داخلی نیز بازتاب می‌یافت و اذهان را به سمت خود معطوف می‌کرد. فیلم ۱۳۶ دقیقه‌ای مصائب مسیح با نمایش ۱۲ ساعت پایانی زندگی عیسی مسیح (ع) طبق روایات انجیل (یوحنا)، داستان به صلیب کشیده شدن این پیامبر الهی و نقش یهودیان را در این امر به تصویر می‌کشد.

این فیلم جنجالی، که از ۲۵ فوریه‌ی ۲۰۰۴ در ۲۸ سینمای آمریکا روی پرده رفت، با استقبال عمومی به ویژه در آمریکا روبه‌رو شد. مصائب مسیح بالاترین رکورد فروش زمستانی را در ایالات متحده بر جای گذاشت و اگر در زمستان ۲۰۰۴ به

اولین چیزی که به چشم بیننده‌ی خارج از ادیان مسیحیت و یهودیت می‌آید، خشونت و درندگی شگفت موجود در آن است. باید وارد فضای فکری سنت پیامبران بنی اسرائیل و عبرانیان شد تا این فیلم را درست درک کرد. طبق متون عهد عتیق (تورات)، آدم، اولین انسان، و حوا همسر وی، از باغ عدن بیرون رانده شدند و در زمین به کار و فعالیت مشغول. از نسل شیث، فرزند ذکور سوم آدم، نسل بشر گسترش یافت و تادوران نوح (ع) این جریان ادامه پیدا کرد. در دوران نوح (ع)، خداوند به خاطر شرایط ایجاد شده و فساد بنی آدم، غضب کرد و تصمیم به نوعی پاک‌سازی و خلق مجدد گرفت و توفان معروف نوح نیز در این هنگام پدید آمد. نوح سه فرزند داشت که مهم‌ترین آنان سام بود؛ ابرام یا ابراهیم از نسل سام بود و خداوند پس از آزمایش‌ها و ابتلائات گوناگون، به پاس بندگی بی‌چون و چرای وی، دعایش را اجابت کرد و امامت ارض و پیشوایی را به فرزندان او داد. او دو فرزند داشت: اسحاق (ع) (آیزاک) و اسماعیل (شموعیل) (ع).^۵

طبق عقیده‌ی یهود، خداوند برکت و میراث را به اسحاق بخشید و او نیز خود می‌خواست که برکت را به فرزند بزرگش عیسو ببخشد. اما یعقوب (یا کوب) (ع) یا اسرائیل بالطائف الحیل این میراث الهی را از چنگ برادرش در آورد و گریخت. سال‌ها بعد با ۱۲ فرزندش، که هر یک یکی از طوایف بنی اسرائیل را تشکیل می‌دادند، به سرزمین پدری بازگشتند. یوسف (ع)، فرزند راحیل، مورد توجه پدر بود و برادران بزرگ‌تر که به وی حسادت می‌کردند، او را به چاه افکندند. یوسف توسط کاروانی به مصر رفت و عظمت یافت و این عظمت او در دوران قحطی بزرگ مصر خاندانش را به مصر کشاند که از منافع ذخایر غله‌ی یوسف بهره‌مند شدند. اما سرانجام پس از مرگ یعقوب و یوسف، آن‌ها به بردگی و بندگی مصریان کشیده شدند.^۶

۱۲ طایفه‌ی بنی اسرائیل روزگار را به محنت می‌گذراندند تا خداوند موسی (موشه) (ع) را برگزید تا فرعونیان را وادار سازد که آن‌ها را آزاد کنند. او و برادرش هارون (آرن) در نهایت فرعون را شکست دادند و دوران جدیدی از حیات اجتماعی و سیاسی بنی اسرائیل آغاز شد. این قوم به خاطر عدم رعایت دستورهای خداوند که در الواح ده‌گانه ذکر شده بود، ۴۰ سال در صحرای سینا

نمایش در نمی‌آمد، صنعت فیلم‌سازی در ایالات متحده کاهش فروشی حدود ۵٪ را تجربه می‌کرد. در زمستان ۲۰۰۴ تنها در آمریکا، ۳۰۲ میلیون دلار فروش کرد که به نظر می‌رسد تا ابتدای اردیبهشت ماه این رقم به ۶۰۰ میلیون دلار رسیده باشد. این فیلم توانست رقیب جدی خود، **آرباب حلقه‌ها (بازگشت پادشاه)** را پشت سر بگذارد و در راس فهرست فروش فیلم‌های زمستانی ۲۰۰۴ قرار گیرد.^{۱۰} **مصائب مسیح** تاکنون در رده‌ی هشتم پر فروش‌ترین فیلم‌های داخلی تاریخی آمریکا قرار گرفته است.^{۲۰}

این فیلم در برخی کشورهای خاورمیانه و به ویژه کشورهای اسلامی نیز با استقبال بسیار خوبی روبه‌رو شده است؛ در امارات متحد عربی در ۳ روز اول بیش از ۶۶۳۲۱ نفر را به سینما کشاند. ۳ امیرنشین‌های کویت و بحرین بر سر به نمایش گذاشتن این فیلم اختلاف نظر جدی دارند، اما نسخه‌های این فیلم وارد بازار این کشورها شده است. نسخه‌های کپی‌شده‌ی آن وارد بازار ایران گردیده است و بنیاد سینمایی فارابی نیز آن را خریداری کرده و به نمایش گذاشته است.

اولین سؤالی که در این مجال به آن خواهیم پرداخت این است که چرا این فیلم مشهور شد و در صدر توجهات جامعه‌ی فرهنگی و هنری جهان و به ویژه آمریکا قرار گرفت؟ نکته‌ی دوم این است که چرا این فیلم مورد انتقادات جدی و حتی حمله قرار گرفت؟ و چرا یهودیان این فیلم را فیلمی ضدیهود دانسته، با آن مخالفت کردند؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، باید ابتدا به ذکر مقدماتی پرداخت.

یهودیت و مسیحیت: موضوع اصلی مصائب مسیح عیسی (ع) طبق نص صریح قرآن^۴ کشته و به صلیب کشیده نشد، بلکه فرد دیگری را به جای وی گرفتند و به صلیب کشیدند: پیامبر الهی حضرت عیسی (ع) به آسمان رفت و طبق عقیده‌ی شیعه در این باره، او پس از ظهور مهدی موعود (عج) به زمین آمده، پشت سر امام نماز می‌گزارد و پیروان خود را به پیروی از امام دوازدهم شیعیان فرامی‌خواند. اما میان مسیحیت و یهودیت مناقشه‌ای تاریخی وجود دارد که ۲۰۰۴ سال ادامه یافته و این فیلم برای به نمایش کشاندن بخشی از این مجادله است.

سرگردان ماندند.

پس از موسی، یوشع بن نون زعامت قوم را برعهده گرفت و سنت فرهنگی دینی یهود عمیق تر و ریشه دارتر شد. سال های پریشانی و محنت آغاز می شد که شموئیل نبی (ع) فردی را به پادشاهی بنی اسرائیل برگزید و پس از وی داوود (ع) و سلیمان (ع) به پادشاهی یهود رسیدند. در زمان سلیمان، معبد بزرگ سلیمان در اورشلیم (بیت المقدس) ساخته شد که در آن «قدس الاقداس» قرار داشت. دوران پس از این پادشاهان، دوران پریشانی و محنت بنی اسرائیل بود و پادشاهان گناهکاری بر سر کار می آمدند. تا سرانجام بخت النصر، پادشاه بابل، به اورشلیم تاخت و یهودیان بسیاری را کشت و معبد را ویران ساخت و بسیاری را با خود به بابل برد. این دوران را دوران «تبعید اوک» می نامند.

سپس کورش هخامنشی یا لوقارنیم (دارای آشاخ) شاید همان ذوالقرنین ا ظهور کرد و پس از شکست بابل با مدارای مذهبی خاص خود، یهودیان را به فلسطین بازگرداند و آنان نیز معبد را بازسازی کردند. این دوران، دوران قدرت یابی مجدد سنت فرهنگی و دینی یهودیان بود. اما بین دو کشور ایران و روم کشمکش های سیاسی وجود داشت و پی در پی کار به جنگ می کشید. پس از تسلط

امپراتوری روم بر سرزمین های اطراف مدیترانه و تصرف فلسطین، رومیان با نظام مذهبی و سنت فکری یهودیان، به نوعی همزیستی دست یافتند. در این سال ها، عیسی طبق روایات عهد جدید (انجیل)، از مریم عذرا در اصطبل زاده شد (طبق روایات اسلامی زیر درخت خرمایی خشک متولد گردید)، چون از سوی یهودیان شهر هردوس مورد تهدید بود، خانواده اش وی را به مصر بردند. او پس از بازگشت، به شهر ناصره رفت؛ به همین مناسبت، وی را «عیسی ناصری» هم می خوانند. درسی سالگی در سواحل رود اردن به نبوت رسید و مانند یحیی (ع)، در کنار رود اردن و دهات اطراف می گشت و به مردم تعلیم می داد.

یهودیان در آن روزگار تحت سلطه ی امپراتور روم آسایش نداشتند و در اثر اختلاط با اقوام و ملل مختلف وضع زبان و رسوم ملی و مذهبی آن ها تغییر کرده و افکار فلسفی و صنایع یونانی، فرهنگ آنان را در خود جذب کرده بود. احساسات مذهبی در هر رشته از امور کشوری دخالت داشت و موجب بروز اختلافات عقیدتی می گردید. به این علت، در میان ملت یهود، نهضت های سیاسی و مذهبی مختلفی به وجود آمد. دو دسته از یهودیان تحت عنوان حزب «پیروشیم» و «صادوقیم» امور سیاسی و تا اندازه ای



امور مذهبی یهود را به دست داشتند که بینشان دشمنی سختی وجود داشت. هیروگان، حاکم یهودیه، حزب «پرووشیم» را تشکیل داد و در مقابل، صادوق کاهن حزب «صادوقیم» را دایر کرد. صادوقیم هادر سیاست پیرو مقررات مذهبی نبودند، اما پرووشیم‌ها بیش‌تر به امور مذهبی علاقه‌مند بودند. در مقابل این دو گروه، جمعیت کمی از یهود به نام «حسیدیم» (خداپرستان)، که غالباً در سواحل رود اردن زندگی می‌کردند، بیش‌تر به عبادت و مطالعات مذهبی می‌پرداختند و حتی از معاشرت با زنان و مادیات پرهیز می‌کردند. آن‌ها از ظهور حضرت مسیح (ع) که نام او یسوع و اهل ناصره بود، استقبال کردند. حضرت مسیح (ع) خود نیز طرفدار اجرای فرامین تورات بود، زیرا فرمود: «من نیامدم که چیزی به تورات اضافه یا از آن کسر کنیم و تا آسمان برقرار است، حتی آیوت (کوچک‌ترین حرف تورات) تغییر نخواهد یافت.»^۸

از نظر اکثر یهودیان، حضرت مسیح (ع) دارای کتاب خاصی نبود و همان وظایف تورات را که فرقه‌ی حسیدیم پیرو آن بودند انجام می‌داد. به این ترتیب، می‌توان گفت احزاب پرووشیم و صادوقیم که اکثریت ملت یهود را تشکیل می‌دادند و از قدیم با فرقه‌ی حسیدیم مخالفت داشتند، باعث به‌صلیب کشیده شدن عیسی شدند. یکی از دلایل آن‌ها این بود که عیسی خود را «مسیح» (ماشیاخ) خوانده بود. این کلمه طبق عهد عتیق برای پادشاهان یهود استعمال می‌شد، زیرا هنگام به‌تخت‌نشستن پادشاه، پیامبر و یا کاهن زمانه روغنی مقدس را بر وی می‌مالید و او را مسح می‌کرد. انبیای بنی‌اسرائیل پیش‌بینی کرده بودند مسیح بزرگی از میان ایشان بر خواهد خواست و آنان را از رنج و عذاب خواهد رهانید و به پادشاهی زمین خواهد رساند.^۹

تعالیم شفاهی حضرت عیسی را، چنان‌که در انجیل‌ها آمده است، به دو گونه می‌توان تقسیم کرد. تعالیم نخست، یعنی شناخت صفات خدا، برای کامل کردن ایمان مردم بود. برخلاف تصور یهودیان، نحوه‌ی کار او متفاوت با دیگر انبیای بود. از این رو، در مبادی خداشناسی تحولی ایجاد کرد و دین تازه‌ای آورد که بعدها «مسیحیت» خوانده شد. و برخلاف یهوه، خدای یهود که بسیار انتقام‌گیر بود، خدایی که او معرفی می‌کرد بخشنده، مهربان و انعطاف‌پذیر بود. براساس این ملاحظات، از همان آغاز، میان اصول

الهیات مسیحی با جهان‌بینی دینی یهودی جدایی افتاد. برای مثال، حضرت عیسی اقتدار و سلطنت مسیح موعود را که در پیشگویی‌های انبیای بنی‌اسرائیل بیان شده بود، معنوی و ملکوتی می‌دانست، در حالی که قرن‌های زیادی یهودیان آن را دنیوی و مادی می‌شمردند. در انجیل آمده است: «... و از مشرق و مغرب و شمال و جنوب آمده در ملکوت (سلطنت الهی) خدا خواهند نشست، و اینک آخرین هستند که اولین خواهند بود، و اولین که آخرین خواهند بود.»^{۱۰} در این آیه گفته شده، در هنگام ظهور مسیح، همه‌ی مردم (نه فقط قوم یهود) از اطراف جهان می‌آیند و در سلطنت الهی و ملکوت خدا وارد خواهند شد، در صورتی که سلطنت مسیح، به عقیده‌ی یهود، فقط برای قوم یهود است. نوع دوم تعالیم عیسی که بیش‌تر بر آن تکیه و اصرار می‌کرد، تعلیمات اخلاقی و عملی بود. او می‌کوشید مردم را با مثال‌های عامیانه از رفتار بد بر حذر دارد و توجه پیروان خود را از امور مادی و ظاهری، به امور باطنی و معنوی معطوف سازد. با مناسک خشک مانند قربانی کردن و آیین بست و ریاکاری مخالفت می‌کرد و ایمان و اخلاص قلبی و باطنی را می‌ستود.^{۱۱} مهم‌ترین موضوعی که در تعالیم عیسی دیده می‌شود، محبت و دوستی است.^{۱۲} البته بیش‌تر دستورها و احکام عیسی (ع) صورت متکامل‌تر تعالیم و احکام تورات و شریعت قدیم موسی است.^{۱۳} گاهی نیز احکامی برخلاف دین یهود و تعلیمات تورات دستور داده است.^{۱۴} همیشه از طبقه‌ی محروم جانبداری و با آن‌ها همدلی کرده است.^{۱۵}

وقتی حضرت عیسی (ع) به اورشلیم رفت، مورد عداوت و آزار یهودیان متعصب قرار گرفت و سرانجام پس از ۳ سال پیامبری، بر اثر خیانت یکی از حواریونش به نام یهود که در ازای ۳۰ سکه‌ی نقره، طبق نظر مسیحیان، پس از محاکمه و شکنجه‌های وحشتناک، به صلیب کشیده شد، (چنان‌که گفته شد مسلمانان بر این عقیده نیستند، چرا که در قرآن آمده است: «ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم».) مسیحیان معتقدند چند تن از زنان قدیمه عیسی (ع) را دفن کردند و وی ۳ روز بعد دوباره زنده شد و ۴۰ روز بعد به آسمان رفت و حواریونش برای تبلیغ آیین وی در اقطار عالم پراکنده شدند.^{۱۶} از نگاه یهودیان، مسیحیت اعوجاجی خطرناک و

بدعتی هولناک در سنت تاریخی، فرهنگی و دینی یهود و عیسی فردی کذاب بود. تلمود (کتاب مهم دین یهود) مسیحیان را «ناپاک» و «نجس» و از «نطفه‌ی اسب» و «پست‌تر از حیوان» دانسته و خونشان را حلال کرده است. همچنین از عیسی با عناوین «مرد احمق»، «جدامی»، «گمراه‌کننده‌ی بنی اسرائیل» و «جادوگر» یاد کرده است. از نظر تلمود، مسیح (ع) سنگسار شده است و شاگردانش نیز ملحد بوده‌اند.^{۱۷}

دیدگاه مسیحیان نیز در طول تاریخ به همین اندازه نسبت به یهودیان خصمانه بوده است: فقط گناه کشتن و به صلیب کشیدن عیسی (ع) توسط یهودیان، برای نفرت مسیحیان کفایت می‌کند. سراسر قرون وسطا پر است از درگیری‌های مسیحیان اکثریت و یهودیان اقلیت. پس از غلبه‌ی مسیحیان بر اندلس اسلامی، قرطبه و سایر شهرهای اسپانیا، یهودیان نیز همانند مسلمانان مورد خشم پادشاه وقت اسپانیا، فردیناند، قرار گرفتند و به صورت دسته‌جمعی کشته و یا اخراج شدند. نفرت از یهودیان در اروپای مسیحی نیز ادامه پیدا کرد و همواره مسیحیان و اروپاییان با نگاه سوءظن و تردید به یهودیان نگریسته‌اند.

بنابراین، بر اساس مطالب پیش گفته، ریشه‌ی تعارض و منازعه‌ی تاریخی میان مریدان این دو دین آشکار است. با این تصویر، ۱۲ ساعت پایانی زندگی عیسی (ع) که در فیلم مل‌گیسون به تصویر کشیده شده، بار دیگر باعث شده است نگاه‌ها مجدداً به نقش یهودیان در شکنجه و آزار عیسی و مصلوب کردن او معطوف گردد.

زمینه‌های اجتماعی، سیاسی مصائب مسیح: از بنیادگرایان مسیحی تا وطن پرستان

بنیادگرایی مسیحی یکی از جنبه‌های پایدار تاریخ آمریکا است؛ جامعه‌ای که بی‌هیچ آرام و قراری طلیعه‌دار تغییر اجتماعی و تحرک فردی بوده است، هرازگاهی نسبت به فواید «دنیوی شدن» و «مدرنیته» شک می‌کند و آرزومند آسایش و امنیت ارزش و گسترش نهادهای سنتی می‌شود. «آمریکا یکی از مذهبی‌ترین کشورهای جهان است»: این سخن، سخنی گراف نیست. برای مثال، طبق یکی از نظرسنجی‌های مؤسسه‌ی گالوپ بر روی جمعیتی نمونه در سطح آمریکا در ۱۹۷۹، یک سوم بزرگ سالان گفته‌اند

تجربه‌ی گرویدن به یک ایمان دینی جدید را داشته‌اند؛ تقریباً نیمی از آنان اعتقاد داشتند که انجیل بری از خطاست؛ و بیش از ۸۰ درصد آنها الهی بودن عیسی مسیح را قبول داشتند. قدر مسلم، آمریکا همواره جامعه‌ای بسیار دینی بوده است. این جریان مذهبی، امروزه به نوعی رادیکالیزم و سخت‌کیشی کشیده شده و ویژگی‌های جریان‌های بنیادگرا را در ذهن محققان مجسم می‌کند. ویژگی‌های اصلی بنیادگرایی مسیحی در ایالات متحده عبارت است:

۱. پذیرش وحی و الهام کلام انجیل و حقیقی بودن آن؛

۲. رستگاری فردی از طریق مسیح و پذیرش او به عنوان ناجی، بر این اساس که او از رهگذر مساعی خود و پرداخت کفاره‌ی گناه بشر با مرگ خویش و رستخیز، موجب ولادت دوباره‌ی فرد و عاری شدن او از گناهان می‌شود؛

۳. انتظار بازگشت مسیح از آسمان به زمین پیش از هزار سال؛

۴. تصدیق آموزه‌های مسیحیت سخت‌کیشانه‌ی ۱۹ پروتستان، مثل زاده شدن از مادر باکره و تثلیث.

با این همه، بنیادگرایی مسیحی آن چنان جریان گسترده و پرتنوعی است که نمی‌توان تعریف ساده‌ای از آن ارائه داد، این حرکت شامل اونجلیکال‌های پرطرفدار و پنتیکاستال‌ها، بیش از ۲۰ هزاره‌ای و ۲۱ و پس هزاره‌ای ۲۲، بی‌یه‌نیست‌ها ۲۳ و فعالان ۲۴ است.

از نظر بنیادگرایان مسیحی مبارزه باید تشدید شود و هر چه زودتر باید با سیاست‌های نهادی موجود به مصالحه دست یافت زیرا وقت تنگ است و «آخرالزمان» نزدیک، و باید توبه کرد و جامعه‌ی خود را تطهیر ساخت تا آماده‌ی دومین آمدن عیسی مسیح شد؛ بازگشتی که هزاره‌ی جدیدی از سعادت و صلح بی‌سابقه را خواهد ساخت. نبرد نهایی و خونبار میان حق و باطل در راه است؛ نبردی که از خاورمیانه آغاز خواهد شد و سپس در تمام جهان شعله خواهد کشید. به همین دلیل است که تغییر شکل جامعه (براساس سیاست‌های مسیحی) و بازتولید خود (براساس زندگی خانوادگی پرهیزکارانه) هر دو ضروری و مکمل یکدیگرند.

به بیان کلاید ویلکاکس، اونجلیکال‌ها کم‌سوادتر،

نهضت محیط زیست موسوم به «بهره برداری معقول»^{۲۵}، اتحادیه‌ی ملی مالیات دهندگان و مدافعان دادگاه‌های «حقوق عرفی»، «ائتلاف مسیح» و «حق حیات» نیز از آن جمله‌اند. می‌توان گفت در آمریکا، «میهن پرستان» ۵ میلیون نفر طرفدار دارند؛ هرچند ویژگی این نهضت، که مرزهای مبهم و عضویت غیرسازمان یافته دارد، هرگونه برآورد آماری دقیق را غیرممکن می‌سازد.^{۲۶}

آن‌چه این گروه‌های پراکنده را در دهه‌ی ۱۹۹۰ متحد ساخت و جاذبه‌ی آن‌ها را افزایش داد، دشمن مشترک آن‌ها، دولت فدرال ایالات متحده به منزله‌ی نماینده‌ی «نظم نوین جهانی» بود؛ نظمی که در برابر آزادی انتخاب شهروندان آمریکایی علم شده است. از نظر آن‌ها، در مرکز این نظام نوین، سازمان تجارت جهانی و کمیسیون سه جانبه، صندوق بین‌المللی پول و بالاتر از همه سازمان ملل قرار دارند، و «نیروهای حافظ صلح» سازمان ملل ارتشی بین‌المللی و مزدور است که حق حاکمیت مردم را در اکتاف جهان پایمال می‌کند. آن‌ها انجیل و قانون اساسی اولیه‌ی آمریکا را، البته با حذف اصلاحات انحرافی بعدی آن، علم کرده‌اند و حق حاکمیت شهروندان را در حکومت‌های محلی مورد تأکید قرار می‌دهند. این گروه‌ها با تکیه بر نقش رسانه‌ها در جهانی شدن و تشکیل دهکده‌ی جهانی اطلاعات، صاحبان

فقیرتر، صاحب نفوذ بیشتر بر زنان خانه‌دار، ساکن مناطق جنوبی، و متدین تر از دیگران‌اند. منابع دیگر نشان می‌دهند که گسترش اخیر بنیادگرایی مسیحی در مناطق حومه‌نشین جنوب غربی، و جنوب جدید کالیفرنیا و کالیفرنیا جنوبی، بین اقشار تحتانی طبقه‌ی متوسط و کارکنان خدماتی که به تازگی به حومه‌های جدید مناطق شهری در حال رشد مهاجرت کرده‌اند، بیشتر رواج دارد. ویلکاکس می‌نویسد: «داده‌ها نشان می‌دهد که بهترین شاخصه‌های تعیین‌کننده‌ی حمایت از بنیادگرایی مسیحی عبارت است از هویت‌ها، آموزه‌ها، رفتارها و پیوندهای دینی و عقاید سیاسی.» این پدیده به صورت فرایندی سیاسی در دفاع از ارزش‌های اخلاقی مسیحی عمل می‌کند. هدف بنیادگرایی مسیحی بر ساختن هویت شخصی و اجتماعی بر اساس تصوراتی از گذشته و فرافکندن آن‌ها به یک آینده‌ی آرمانی است تا بدین سان بر روزگار تحمل‌ناپذیر حاضر غلبه کند. گروه‌های میهن پرست و گروه‌های شبه نظامی یا میلیشیا از اطراف‌ترین گروه‌های وطن پرست‌اند. شبه نظامی‌ها سازمان‌های افراطی محافظه‌کاری مانند جامعه‌ی جان برچ و کلیه‌ی گروه‌های سنتی طرفدار برتری و اولویت سفیدان و دسته‌های ضدیهودیان را دربر می‌گیرند. دسته‌های ضد دولت فدرال مانند نهضت‌های حقوق ایالتی، ائتلاف



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آن را اهداف ردیف اوگ می‌شناسند؛ صاحبان این رسانه‌ها کسی نیستند جز یهودیان شبه‌نظامی‌ها یا نگاهی نفرت‌انگیز به تمامی پدیده‌های جهانی می‌نگرند و «جهانی‌شدن» را متزلزل‌کننده‌ی بنیان‌های خانواده و مسائل مذهبی می‌دانند. میهن پرستان و بنیادگرایان مسیحی متعصبانه بر ارزش‌های مسیحی تأکید می‌ورزند؛ آن‌ها معتقدند ارزش‌ها و مناسک مسیحی باید بر نهادهای جامعه تحمیل شود. میهن پرستان اصولاً با اقلیت‌ها مخالف‌اند و در صدر اقلیت‌های یهودیان قرار دارند که از ابتدا با رسوخ در ساختار فرهنگی و رسانه‌های جمعی قدرت، اطلاعات را در اختیار کامل خود گرفته‌اند. ویلیام پیرس، نویسنده‌ی **میهن پرستان** و صاحب چند سایت اینترنتی ضد اقلیت‌ها، ضد یهودی و ضد اسرائیلی، در مقاله‌ای، حضور یهودیان را در رسانه‌های ایالت متحده پرخطر می‌داند. او به عنوان مثال به شرکت دیزنی اشاره دارد و نقش پررنگ یهودیان را در آن، نابودکننده‌ی ارزش‌های اخلاقی و مذهبی و اصول خانوادگی سفیدپوستان مسیحی می‌داند. ۲۷

به اعتقاد آن‌ها، حضور یهودیان در رسانه‌ها موجب شده آنان بتوانند به اغفال رهبران و توده‌ها پردازند؛ یهودیان با لابی‌های سیاسی خود در احزاب، کنگره و کاخ سفید رهبران آمریکا را می‌خرند و با ساختن برنامه‌های فاسد اخلاقی، بنیان‌های خانواده و ارزش‌های مسیحی را برای هر چه قدرتمندتر ساختن نفوذ خود از میان می‌برند.

مصائب مسیح، روایتی دوباره از ایثار مسیح یا یهودستیزی
مل گیبسون پس از مهاجرت به استرالیا و بازگشت مجدد به آمریکا، در ۱۹۷۷ وارد عرصه‌ی سینما شد. در کار سینمایی، پس از یک دوره رکود بعد از بازی در فیلم‌های حادثه‌ای فوق‌مدرن و کلاسیک، به ایمان کاتولیک خود بازگشتی روحی داشت. در فیلم‌های معروفی چون **مردی بدون صورت** (۱۹۹۳)، **شجاع دل** (۱۹۹۵)، **تلافی** (۱۹۹۹) و **وطن پرست** (۲۰۰۰) بازی کرد. سومین فیلمی که خودش کارگردانی کرد **مصائب مسیح** است. که باعث شده بارها به «یهودستیزی» متهم شود. او متعلق به یک فرقه‌ی باستانی کاتولیک است و خود (به همراه بروس دیوی و استفان مک اوتی) از تهیه‌کنندگان فیلم است و ۲۵ تا ۳۰ میلیون دلار برای ساختن و تبلیغات (حدود ۱۴ میلیون دلار برای ساخت) این

فیلم هزینه کرده است. وی علاوه بر کارگردانی، در نگارش فیلم‌نامه‌ی آن به همراه بن فیتز جرالد دخالت داشته است. گیبسون در پاسخ به تمامی منتقدان خود، با قبول خشونت موجود در فیلم اتهامات مربوط به نشانه‌های ضد یهودی فیلم را رد کرده و عقیده دارد این فیلم بزرگواری و ایثار مسیح تصویر کرده است. ۲۸

او می‌گوید کاملاً به متن انجیل وفادار است. ۲۹ در انجیل یوحنا آمده است که «پس یهودا لشکریان و خادمان از نزد روسای کهنه و فریسیان برداشته با چراغ‌ها و مشعل‌ها و اسلحه به آن‌جا آمدند. آن‌گاه عیسی با این‌که آگاه بود از آن‌چه می‌بایست بر او آید بیرون آمده، به ایشان گفت: که را می‌طلبیده؟ به او جواب دادند: عیسی ناصری. عیسی بدیشان گفت: من هستم. آن‌گاه سربازان، سرتیبان و خادمان یهود، عیسی را گرفته او را بستند. اول او را نزد حنا، پدر زن قیافا که در همان سال که رئیس کهنه بود آوردند. پس رئیس کهنه از عیسی درباره‌ی او و شاگردانش پرسید، عیسی به او جواب داد که من آشکارا سخن گفته‌ام، من هر وقت در کنیسه جایی که همه‌ی یهودیان پیوسته جمع بودند، تعلیم می‌دادم؛ چرا از من سؤال می‌کنی؟ چون این را بگفت: یکی از خادمان که آن‌جا ایستاده بود تپانچه بر عیسی زده، گفت آیا به رئیس کهنه چنین جواب می‌دهی؟ عیسی بدو جواب داد اگر بد گفتم به بدی شهادت ده و اگر خوب برای چه مرا می‌زنی؟ پس حنا او را بسته نزد پیلاطوس به دیوان خانه فرستاد. پیلاطوس به ایشان گفت: موافق شریعت خود پر او حکم کنید. یهودیان بدوی گفتند: بر ما حایر نیست که کسی را بکشیم. پس پیلاطوس عیسی را طلبید و گفت: تو پادشاه یهود هستی؟ عیسی گفت: آیا تو آن را از خود می‌گویی یا دیگران درباره‌ی من به تو گفته‌اند؟ پیلاطوس جواب داد آیا مگر من یهودی هستم؟ امت تو و رؤسای کهنه تو را به من تسلیم کرده‌اند. چه کرده‌ای؟

عیسی جواب داد: از این جهت من متولد شده‌ام تا به راستی شهادت دهم و هر که از راستی است سخن من را می‌شنود. پیلاطوس نزد یهودیان آمد؛ به ایشان گفت در این شخص هیچ عیبی نیافتم. قانون شما این است که در عید فصیح به جهت شما یک نفر را آزاد کنم؛ پس آیا می‌خواهید عیسی را آزاد کنم؟ همه فریاد برآوردند: او را «نی»، بلکه «برابا» را آزاد کن و «برابا» دزد بود. پیلاطوس عیسی را تازیانه

زد و لشکریان تاجی از خار بر سر او گذاردند و جامه‌ی ارغوانی
بدو پوشاندند. باز پیلاطوس بیرون آمده، به ایشان گفت: اینک
اورا نزد شما آوردم تا بدانید که در او هیچ عیبی نیافتم. چون
رؤسای کهنه و خدّام او را دیدند، فریادکنان گفتند:
صلیب کن، صلیب کن. ۳۰ «پیلاطوس خواست او را
آزاد نماید لیکن یهودیان فریاد بر آورده، می گفتند: اگر
این شخص را رها کنی، دوست قیصر نیستی» ۳۱
پیلاطوس به ایشان گفت: آیا پادشاه شما را صلیب
کنم؟ رؤسای کهنه جواب دادند که غیر از قیصر
پادشاهی نداریم. آن گاه او را به ایشان تسلیم کرد
تا مصلوب شود. پس عیسی را گرفته، بردند و
صلیب خود را برداشته، بیرون رفت موضعی
جمجمه نام. ۳۲

شبیّه به همین تفصیل در انجیل متی
(باب ۲۶ و ۲۷) و انجیل مرقسی (باب ۱۴ و ۱۵)
و انجیل لوقا (باب ۲۲ و ۲۳) نیز شرح داده شده
است.

مسترهاکس، نویسنده‌ی آمریکایی، در
این زمینه می گوید:

صلیب نمودن در نزد رومیان بدترین
مرگ‌ها و قبیح‌ترین موت‌ها بود و آن
را برای خیانت‌کاران می گذاردند و
مصلوب را ملعون می دانستند. بدان
واسطه صلیب مسیح یهود را لغزش و
رومیان را جهالت بود. ۳۳

انجیل درباره‌ی تسلیم کننده‌ی مسیح می گوید:
«یهودای اسخریوتی برای حمل خزینه‌ی حواریون
معین گردیده بود. این معنی سبب طمع وی گشته باعث
آن شد که مولای خود را از برای سی پاره نقره که از
رؤسای کهنه گرفته بود تسلیم کند. در این صورت
فرمایش آن حضرت که وی را شیطان خطاب
فرمود برجای می باشد. یهودا چون دید که
نتیجه‌ی کار بد شد، خواست آن مبلغ را پس
دهد؛ چون ایشان قبول نمودند فوراً در هیکل
رفت که خود را خفه کند. طناب بریده شدوی
به رو در افتاده، اصحابش فرو ریخت. ۳۴»
«رؤسای کهنه آن سی پاره نقره را در بیت المال

انسانی و مطالعات فرسنگ
مع علوم انسانی

نینداختند چون که بهای خون بود، بلکه مزرعه‌ی
کوزه‌گری را از برای مدفن غربا خریدند. ۳۵»

مل گیسون اصرار فوق‌العاده‌ای بر واقع‌گرایی در
ساخت این فیلم نشان می‌دهد. او می‌کوشد به اصل و فرع
داستان وفادار بماند. اشارات داستانی به عین نقل قول‌ها
در انجیل، باعث استقبال افکار عمومی از این فیلم شده
است. او حتی برای افزودن بر بُعد واقع‌گرایانه‌ی فیلم، به
جای انگلیسی از زبان‌های رایج در آن دوره، عبری باستان
برای عیسی (ع) و یهودیان و لاتین برای رومیان استفاده
کرده است. این واقع‌گرایی به گونه‌ای است که یکی از
منتقدان عنوان مقاله‌ی خود را درباره‌ی اثر گیسون این
عبارت قرار داده است: «آن‌گونه است که بود.»

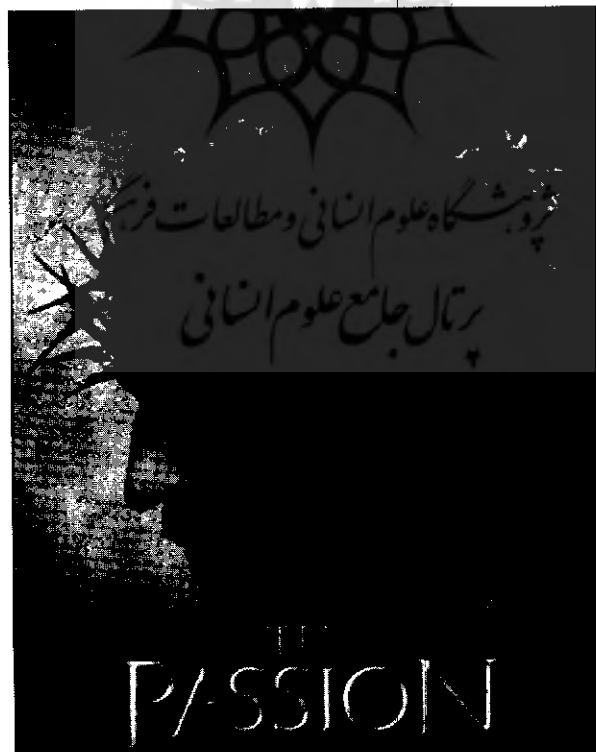
این فیلم به صورت خصوصی برای پاپ به نمایش
در آمد، اما مسؤولان واتیکان به خاطر مسائل و مجادلاتی
که این فیلم در برداشته از تأیید رسمی آن خودداری
کرده‌اند. ۳۶ اما کاردینال‌های واتیکان آن را به عنوان پیروزی
هنر ستوده‌اند. ۳۷ همچنین جیم کاوزیل، بازیگر نقش اول
این فیلم یعنی عیسی ناصری (ع)، همراه با همسرش با پاپ
نیز ملاقاتی داشت و مورد تقدیر
پاپ ژان پل دوم نیز قرار
گرفت.

این فیلم مخالفت‌هایی
را در پی داشته است. در روز ۱۰
مارس ۲۰۰۳ پس از فاش شدن
خبر ساخته شدن فیلم مل
گیسون، خاخام‌های آمریکایی
از او خواستند در فیلم خود
تجدیدنظر کند. داستان فیلم
هنگامی لورفت که نویسنده‌ی
مجله‌ی نیویورک تایمز،
کریستوفر نوکسون کشف کرد
که گیسون ۶۴۸۰۰ متر زمین
نزدیکی مالیبو خریداری کرده
تا بتواند در آن کلیسایی بسازد
تا یک کشیش بتواند متن انجیل
را برای گروه او به زبان لاتین
بخواند. این گروه «خانواده‌ی

مقدس» نام گرفت، چرا که این کشیش کسی نبود جز
هیوتون گیسون، پدر مل اپدر او گروهی را به نام «متحدان
سنت کاتولیکی» گردآوری کرده که واقعیت قتل عام یهودیان
در زمان جنگ جهانی دوم را مشکوک می‌دانستند. مل
گیسون می‌گوید کسی به قتل عام و سوزاندن یهودیان شک
ندارد ولی تعداد آن‌ها خیلی کم‌تر از ۶ میلیون نفر بوده
است. ۳۸ البته مل ارادت زیادی به کلیسای واتیکان ندارد،
اما بسیار محافظه‌کار و مذهبی است و بارها مخالفت خود
را با سقط جنین، طلاق و کنترل جمعیت اعلام داشته
است. ۳۹

در ۲۲ مارس ۲۰۰۳ شورای خاخام‌ها گرد هم آمدند
تا درباره‌ی فیلم اظهارنظر کنند. در ژوئن ۲۰۰۳، فشار علیه
ساخت مصائب مسیح شدید شد و فیلم «ضدیهودی» نام
گرفت. پائولا فردیکسون در مقاله‌ی «مل دیوانه» در روز ۲۸
ژوئیه ۲۰۰۳ در مجله‌ی جمهوری جدید، این فیلم را
«تعصب‌آمیز» و «ضدیهود» خواند. ۴۰

نکته‌ی بسیار قابل توجه حضور بسیار پررنگ و
معنادار یهودیان در هالیوود است. از ۹ استودیوی فعال در
دهه‌ی ۱۹۳۰، ۶ استودیو در
مالکیت مستقیم یهودیان
بوده و هنوز هم هست.
جمعیت یهودیان ایالات
متحده ۲۲/۵٪ از کل جمعیت
این کشور است اما هم‌اکنون
بخش اعظم تهیه‌کنندگان
سینما و تلویزیون در آمریکا
یهودی‌اند و هر ۵ شرکت
قدرتمند برنامه‌های تفریحی
در آمریکا توسط یهودیان
اداره می‌شوند. برای مثال،
جرالد لوین رییس شرکت
تایم وارنر است و مایکل
آیزنر دیزنی را هدایت
می‌کند؛ مل کارمازین و سامنر
رداستون شرکت وایاکام -
سی‌بی‌اس را اداره می‌کنند و
ریاست شرکت یونیورسال



می گوید: «احساسات مذهبی و تعصب او مرا آزار می دهد». ۴۷. ملیسا ریچارد، روزنامه نگاری که با یکی از مهم ترین تهیه کنندگان فیلم مذهبی همکاری می کند، می گوید: «بازگشت به عقیده ی ضد "سامی" که در این فیلم تکرار شده چیزی جز تکرار مکررات نیست. مسائل کهنه رانو کرده و تعادل اجتماعی را برهم می زند». ۴۸. رئیس یکی از استودیوهای فیلم سازی آمریکا می گوید: «من به گیسون دستمزد نخواهم داد و به او و به افرادی که به او کمک کرده اند کمک مالی نخواهم کرد و هر چه بتوانم برای "طرد" او انجام خواهم داد». ۴۹. جان شیر از دیگر بزرگان هالیوود می گوید: «گیسون پولش را فدای زبانش کرد و خودش را هم ضایع کرد». ۵۰. گیسون هم در پاسخ، منتقدان فیلمش را «فربخوردگان شیطان» و «نیروهای شیطان» معرفی می کند. ۵۱.

برخی منتقدان سینما معتقدند تبلیغات منفی علیه این فیلم یکی از دلایل اصلی فروش بالای آن در سینمای آمریکا بوده است. بر اساس تحقیقات مؤسسه ی اکسپلیتر ریلیشنز، بیشتر تماشاگران این فیلم را ضدیهودی نمی دانند و اعتقاد دارند در این فیلم حقایق بیان شده است. ۵۲.

به نظر می رسد نمی توان از روی سکناس های فیلم به نتیجه ی واحدی درباره ی عنوان آن رسید. اما به هر حال در فیلم سکناس هایی وجود دارد که ظن ضدیهودبودن این فیلم و همچنین شدت انتقادهای جدی را به یهودیان افزایش می دهد. برای مثال، مسیح در صحنه ای به حاکم رومی می گوید: «گناهکاران آنانند که مرا پیش تو آورده اند!» همچنین گیسون در صحنه ای شیطان را نمایش می دهد که در میان روحانیون یهودی راه می رود. در انتهای فیلم نیز، پس از مصلوب شدن عیسی (ع)، گیسون نشان می دهد که قطره ی اشکی از آسمان بر زمین می افتد و زلزله ای ایجاد می شود و معبد یهود را نابود می کند. خود گیسون در مصاحبه ای با سی ان ان می گوید بارها به خاطر مضامین فیلمش از سوی یهودیان تهدید شده است و یهودیان خواستار حذف بسیاری از سکناس ها و گفت و گوهای فیلم شده اند. او در پاسخ به این افراد می گوید: «این جاروسیه ی کمونیست نیست. آیا کسی حقوق مرا به عنوان یک آمریکایی، هنرمند و یا انسان به رسمیت نمی شناسد؟» ۵۳.

بر عهده ی ادگار برونفمن است، که همگی یهودی اند. ۴۱. شرکت فیلم فاکس قرن ۲۰ نیز تحت ریاست پیتر چرین یهودی است. بنیانگذاران شرکت دریم ورکز اسکاچی، استیون اسپیلبرگ، دیوید گفن و جفری گاتزبرگ یهودی اند که به تولید فیلم، کارتون، موسیقی و بازی کامپیوتری مشغول است. ۴۲.

این استیلای یهودی از همان آغاز شروع شد و کارفرمایان اقتصادی یهودی مهاجر مانند سام گلدوین، جک و هری وارنر و لوئیس ب. مایر، هالیوود را ایجاد کردند. همچنین یهودیان سه شبکه ی اصلی تلویزیونی ایالات متحد را نیز ایجاد کردند: شبکه سی بی اس به وسیله ی ویلیام پیل، ان بی اس به وسیله ی دیوید سارنوف، ای بی سی به وسیله ی لئونارد گلدسن.

اثر کلاسیکی که به استقرار یهودیان در هالیوود می پردازد کتاب معروف نیل گیلر، امپراتوری خودشان است. ۴۳. سیمایا کوبوویکی، تهیه کننده و کارگردان سینما، فیلمی با نام چگونه یهودیان هالیوود را ایجاد کردند، بر پایه ی کتاب او ساخته است. او می گوید: «ما به یهودیان تعرض نمی کنیم؛ فقط می گویم که آنان بودند که هالیوود را تأسیس کردند. من فکر می کنم مردم نمی خواهند در این باره سخنی بگویند، چرا که نگرانند که بهانه ای به دست افرادی ندهند که از یهودیان تنفر دارند». ۴۴. در نتیجه، او مجبور شد برای ساخت فیلم به کانادا و خارج از هالیوود برود. ۴۵.

با این توصیف، مصائب مسیح نقض ده فرمان هالیوود شناخته می شود چون طی این سال ها به خاطر علایق رؤسای بزرگ و تهیه کنندگان یهودی سینما اکثر آزار پرداختن به مسائل یهودیان خودداری شد و بسیاری از آثار بنا به خواست و منافع ایشان تولید شده است. در نیویورک قایم در فوریه ی ۲۰۰۴ آمده است: «مل گیسون فیلمی جدید به نام مصائب مسیح ساخته است. این فیلم خشم بزرگان یهود را برانگیخته تا جایی که شاید به اعتبار هنری و زندگی او لطمه وارد شود!» ۴۶.

به این ترتیب، جنگی شدید میان گیسون و حامیانش در برابر هالیوود و قواعد بسته و ملاحظات سیاسی اش در گرفت. جفری کانزبرگ و دیوید گفن با عصبانیت از آن فیلم سخن می گویند و آن را محکوم می کنند. مارک مدوی

○ مصائب مسیح: فیلمی نمادگرا

به نظر می‌رسد فیلم **مصائب مسیح** علاوه بر دارا بودن بعد تاریخی و مذهبی، نگاهی به جامعه‌ی مدرن و معاصر امروز نیز دارد. شبکه‌ی جهانی سوسیالیست در گزارشی آورده است: «فیلم **مصائب مسیح** به کارگردانی مل گیسون و نویسندگی گیسون و بندیکت فیتزجرالد، اگرچه یک فیلم مشتمل‌کننده است، اما یک فیلم کم‌اهمیت محسوب نمی‌شود... این فیلم به طرز فکر و رفتار آمریکایی‌های معاصر توجه دارد. فیلم گیسون نه یک اثر مذهبی جدی و نه یک اثر هنری است بلکه یک شرح حال است.» ۵۴ این شبکه در ادامه‌ی گزارش خود می‌افزاید: «مسیحیان بنیادگرا از مخاطبان اصلی این فیلم بوده‌اند.» ۵۵ به نظر می‌رسد نظر شبکه‌ی جهانی سوسیالیست تا حد بسیار زیادی صحیح است. **مصائب مسیح** علاوه بر این که روایت‌کننده‌ی داستان قتل و یا به صلیب کشیده شدن عیسی (ع) است، به صورتی نمادگرایانه‌ای نیز به بررسی شرایط امروز جهان می‌پردازد و همین مسئله بر میزان توجه به این فیلم افزوده است. شاید بهتر باشد با نگاهی نشانه‌شناسانه به سراغ این فیلم رفت؛ نشانه‌هایی که بنیادگرایان مسیحی و میهن پرستان آمریکایی را به دیدن فیلم جدیدی از سازنده‌ی میهن پرست کشانده است.

در این فیلم برخلاف ساختار کلی فیلم‌نامه‌نویسان هالیوودی که همواره در آن دو جریان، یکی قهرمان و دیگری ضدقهرمان وجود دارد، با مثلث فاجعه روبه‌رویم. این مثلث از مسیح (ع)، رومیان و احبار یهود تشکیل شده است و داستانی تراژیک را پیش می‌برد.

شاید یکی از دلایل اصلی موفقیت **مصائب مسیح** در ایالات متحده برانگیختن حس هم‌ذات‌پنداری بینندگان باشد. فیلم **مصائب مسیح** به شدت واقع‌گراست و تلاش نمی‌کند که چهره‌ای اساطیری و غیرقابل دسترسی از مسیح تصویر کند. حتی برای نزدیکی شخصیت مسیح به بیننده، وارد جزئیات خاصی از زندگی او می‌شود؛ مانند صحنه‌ای که او با مریم مجدلیه (مادر رضاعی خود) شوخی می‌کند و به او آب می‌پاشد. این امر از جهتی باعث «نوعی تقدس زدایی» در فیلم شده است. این فیلم همچنین با آهنگ‌های بسیار حماسی یا موسیقی‌های کلیسایی احساسات بیننده را تهییج نمی‌کند.

عده‌ای انتقاد می‌کنند که تصویر عیسی آن چنان که باید و شاید پرداخته نشده است. اما از طرفی، سادگی شخصیت‌پردازی و روانی آن باعث می‌شود مخاطب آمریکایی به طور کلی سیمای خود را در آینه‌ی مسیح ببیند: مسیح در این تفسیر، نمادی است از انسان رنج‌کشیده‌ی معاصر که خسته از مدرنیته و ظواهر آن، قصد بازگشت به ملکوت خداوند را دارد. مثلث شخصیت‌های آن، یعنی عیسی، یهودیان و رومیان در نگاه آمریکایی‌ها به گونه‌ای معادل‌سازی می‌شوند که شرایط خویش را در آن به تصویر بکشند. انسان تنها و در جست‌وجوی ملکوت خداوند (نمادی از نوعی بازگشت به مذهب) می‌کوشد که نوعی نظم آرمانی بر پایه‌ی ایمان به خدا و عشق به خانواده و دوستان بنا کند.

یهودیان در این داستان شخصیت‌های اصلی و در واقع قاتلان اصلی عیسی هستند. هیاهوی آنان و جوسازی‌ها و جنگ روانی آن‌ها برای «ساختن واقعیت» آن‌طور که می‌خواهند، بی‌شباهت به نقش رسانه‌های امروز در ایالات متحده نیست.

اما فرماندار رومی فردی قدرت‌طلب و عمل‌گرا است و جز به نظم و حکومت خود نمی‌اندیشد. سربازان و مأموران او موجودات خشن و ابله‌اند که اصولاً چیزی جز رنگ سرخ خون نمی‌بینند. و همسر فرماندار رومی که در دل به عیسی ایمان دارد و با رنج‌هایش همدردی می‌کند، در عمل کاری از پیش نمی‌برد. شاید بسیاری از بینندگان آمریکایی همین را در ساختار سیاسی ایالات متحده ببینند؛ حکومتی که فقط به بقای خود می‌اندیشد؛ سربازان قسی‌القلبی که در عراق و افغانستان و ویتنام جز سرخی خون چیزی ندیدند و تنها لایه‌ای از وجدان بیدار و ضمیر آگاه اخلاقی آنان هم با جنجال‌های رسانه‌ها و سمت‌دهی افکار عمومی خاموش می‌شود.

مصائب مسیح «مصائب انسان امروز» است؛ انسانی که در دست سرمایه‌داری جهانی اسیر شده است و مبارزه‌ی او نیز با این ساختار به خونین‌ترین و خشن‌ترین وجه سرکوب می‌شود. صهیونیسم ستون فقرات سرمایه‌داری جهانی است و یهودیان مستقر در مهم‌ترین رسانه‌ها و سازمان‌دهندگان افکار عمومی در واقع برگردن گول ابله آمریکا سوارند. مسیح، انسان امروز است که در

۲۵. wise use

۲۶. همان، صص ۱۱۵، ۱۱۷.

Sept. 27. William, Pierce, "Disney and Jews: Eisner and His Children", Free Speech, (1999). Vol. 1, No. 9. Kind Must Stop Harming our Children

۲۸. www.bbcppersian.com، ۲۵ فوریه ی ۲۰۰۴.

۲۹. همان جا.

۳۰. انجیل یوحنا، باب ۱۹، آیه ۱ تا ۷.

۳۱. انجیل یوحنا، باب ۱۹، آیه ۱۲.

۳۲. انجیل یوحنا، باب ۱۹، آیه ۱۵.

۳۳. قاموس مقدس، صص ۵۵۷.

۳۴. کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیه ی ۸.

۳۵. انجیل یوحنا، باب ۲۷ از آیه ی ۴ تا ۸ و قاموس کتاب مقدس،

صص ۹۷۸.

۳۶. www.baztab.org، ۲۷ اسفند ۱۳۸۲.

۳۷. روزنامه ی شرق، ۲۴ اسفند ۱۳۸۲.

۳۸. www.bbcppersian.com، ۲۵ فوریه ۲۰۰۴.

۳۹. همان جا.

۴۰. روزنامه ی شرق، ۲۴ اسفند ۱۳۸۲.

41. www.stormtront.com: "Who Rules America?",
Research Staff of *National Vanguard Magazine*.

۴۲. همان جا.

43. Neal Gabler, *An Empire of Their Own: How the Jews
Invented Hollywood* (New York: Crown Publishers, 1988).44. John MckAy, *Hollywood Refugee Founders*
Canadian Press, 5 March, 1998.

۴۵. همان جا.

۴۶. دژشت و زیبا، مشهوری، ۱۵ بهمن ۱۳۸۲، صص ۱۷.

۴۷. همان جا.

۴۸. همان جا.

۴۹. همان جا.

۵۰. همان جا.

۵۱. www.bbcpersian.com، ۱ آوریل ۲۰۰۴.

۵۲. جام جم، ۲۹ فروردین ۱۳۸۳.

53. www.nationalvanguard.com, 25,01,2004.

۵۴. روزنامه ی شرق، ۲۴ اسفند ۱۳۸۲، صص ۱۶: «خدایوند همه ی ما را

بخشاید».

۵۵. همان جا.

چنگال صهیونیسم گرفتار است. کنسول رومی در واقع نمادی از حکومت های غربی مانند آمریکا و برای خود آمریکایی ها، نماد دولت مرکزی است که رودرروی شهروندان خود قرار گرفته است. **مصائب مسیح** بیش از آن که مربوط به تاریخ باشد و یا رسالتی مذهبی بر عهده داشته باشد، روایت کننده ی جایگاه انسان معاصر است.

یادداشت ها

۱. به نقل از روزنامه ی همبستگی، ۱۵ فروردین ۱۳۸۳.

۲. رک: www.baztab.org به نقل از نیویورک تایمز در تاریخ

فروردین ۱۳۸۳.

۳. همشهری، ۲۰ فروردین.

۴. قرآن کریم، سوره ی نسا، آیه ۱۵۷.

۵. عهد عتیق، «سفر پیدایش».

۶. عهد عتیق، «سفر خروج».

۷. سید جواد علم الهدی، شناخت صهیونیسم بین الملل (قم: دفتر

نشر اسلامی ۱۳۶۱)، صص ۹۴، ۹۵.

۸. انجیل متی، باب ۸، آیه ی ۱۱.

۹. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۱۲ (تهران: انتشارات دانشگاه

تهران، ۱۳۷۷)، صص ۲۱۸۴۶۷ و ج ۱۰، صص ۱۴۵۳۰.

۱۰. انجیل لوقا، باب ۱۳، آیه ی ۲۹.

۱۱. انجیل متی، باب ۲۳، آیه ی ۱ تا ۲۳.

۱۲. همان، باب ۲۲، آیه ی ۳۷.

۱۳. همان، باب ۵، آیه ۴۳.

۱۴. انجیل متی، باب ۵، آیه ی ۴۱، ۳۸.

۱۵. همان، باب ۶ و باب ۷ از آیه ۱ تا ۱۳.

۱۶. برای کسب اطلاعات بیش تر، رک: ویل دورانت، تاریخ

تمدن جهان، ج ۳ (قیصر و مسیح)، (تهران: انتشارات آموزش انقلاب

اسلامی، ۱۳۶۹).

۱۷. ظفر اسلام خان، نقد و نگرش بر تلمود، ترجمه ی محمدرضا

رحمتی (قم: مرکز مطالقت و تحقیقات اسلامی: ۱۳۶۹)، صص ۶۴.

۱۸. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، ج ۲، قدرت فرهنگ،

ترجمه ی حسین چاووشیان (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰)، صص ۳۹.

19. orthodox

۲۰. pentecostal، از فرقه های بنیادگرای پروتستان که بر

الهام گیری مستقیم از روح القدس تأکید می ورزند.

۲۱. pre-millennial، معتقدان به بازگشت مجدد حضرت

مسیح (ع) پیش از فرارسیدن هزاره.

۲۲. post-millennial، معتقدان به بازگشت حضرت مسیح (ع) پس

از فرارسیدن هزاره.

۲۳. pietists، معتقدان به احیای آرمانی خلوص صوفیانه در

کلیسای لوژری.

۲۴. activists، معتقدان به عمل فعال مسیحیان در صحنه های

اجتماعی و سیاسی.